

## حجیت خبر ثقه در موضوعات و قلمرو آن

محمد مهدی مزاری / استاد درس خارج حوزه علمیه قم  
علی جمعه قربانی<sup>۱</sup>

### چکیده

با توجه به این‌که بنای عقلا و بعضی روایات خاص بر حجیت خبر ثقه در موضوعات دلالت دارند، ولی حجیت و اعتبار عدلین و بینه در باب قضا موجب می‌شود که ارزش و اعتبار خبر ثقه سست شود، چه بسا مقتضاً و لازمه اشتراط تعدد و عدالت مخبر در اثبات موضوعات این است که خبر ثقه فاقد اعتبار باشد. از طرفی بنای عقلا وقتی می‌تواند دلیل بر مطلوب باشد که از جانب شرع مقدس امضا شده و یا دست‌کم ردع نشده باشد. ولی در ظاهر به نظر می‌رسد بعضی از روایات و مهم‌ترین آن روایت مسعده از امام صادق (ع)؛ رادع این بنا می‌باشد. از این جهت در میان فقهای امامیه چنین معروف شده است که خبر ثقه در موضوعات به خلاف احکام مطلقاً حجت نیست. در موارد زیادی نیز تردید و توقف نموده حکم قطعی نداده است. البته جواب از روایت مسعده بن صدقه این است که با یک روایت و یا دو روایت نمی‌شود از سیره عقلایی رفع ید کرد؛ لذا با تحقیق و تدبیر در ادله روشن می‌شود که اعتبار بینه از سوی شارع برای اثبات موضوعاتی وضع شده که مورد نزاع افراد بوده یا در آینده ممکن است بر آن اقامه دعوی شود. براین‌اساس سیره عقلا در عمل به خبر ثقه در موضوعات به قوت خویش باقی است و روایات معتبر هم آن را تأیید می‌کند. اگرچه بدون این روایات نیز می‌توان از سکوت شارع مقدس، حجیت سیره را استفاده نمود. در نتیجه خبر ثقه در موضوعات نیز حجت می‌شود؛ مگر در موارد خاصی مانند دعاوی و خصومات که در آن عدلین و بینه باید اقامه بشود.

**کلیدواژه:** خبر، ثقه، حجیت، موضوع.

### مقدمه

بحث از حجیت خبر واحد یکی از مباحث مهم در علم اصول و تأثیرگذار در علم

---

۱. دوره کارشناسی ارشد مجتمع آموزش عالی فقه Javidalijoma@gmail.com.

فقه است و راهی برای رساندن مکلفین به احکام شرعی در قسمت احکام و تبیین وضعیت موضوع در قسمت موضوعات است شارع مقدس با توجه به مصلحت تسهیل برای مکلفین در احکام شرعی خبر واحد را به‌عنوان حاکی از قول معصوم حجت کرده، زیرا در احکام شرعی که به دست ما رسیده، مقدار زیادی از آن‌ها از طریق خبر واحد است و اگر قائل به عدم حجیت آن در احکام شویم ناگزیر باید قائل به انسداد باب علم و علمی شویم که در میان متأخرین به غیر از میرزای قمی کسی از علمای شیعه قائل به انسداد نشده است و حجیت خبر واحد نقش مؤثری در فضای انفتاح باب علمی ایفا می‌کند و راه را برای رسیدن به احکام تسهیل کرده است حال بحث‌کردن از حجیت خبر واحد در قسمت موضوعات و اثبات حجیت آن و تبیین وجود این مصلحت تسهیل در موضوعات این مطلب را به اثبات می‌رساند که شارع در تبیین وضعیت موضوع برای مکلفین هم مصلحت تسهیل را در نظر گرفته است که در این راستا با استفاده‌کردن از منابع معتبر در علم اصول و فقه به این بحث پرداخته می‌شود.

از جمله واژه‌هایی که در این تحقیق، مورد بررسی قرار می‌گیرد، واژه حجیت، خبر، ثقه، موضوع است.

## مفاهیم

تعریف صحیح و دقیق یک اصطلاح، منوط به شناخت بار معنایی آن در گذشته و حال است.

## مبحث اول: حجیت در لغت و اصطلاح

### الف) حجیت، در لغت

علمای لغت‌شناسان تعبیر مختلفی برای کلمه «حجت» در لغت و اصطلاح به کار برده‌اند که در ذیل به برخی از آن اشاره می‌شود.

«حجت» در لغت به دلیلی گویند که صحت ادعای طرف را اثبات و روشن

کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۱۹).

حجت در لغت چیزی است که در مقام مخاصمه و مجادله وسیله پیروزی

احتجاج بر خصم می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۰۵).

حجت در لغت یعنی برهان. از هری می‌گوید: چیزی است که به وسیله آن

پیروزی در مقابل خصم حاصل می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۲۸).  
حجت در لغت به معنای دلیل است؛ با دلیل و برهان غلبه کردن (جوهری،  
۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۰۴).

با توجه به مطالب فوق می‌توان چنین گفت: حجت در لغت به دلیل و  
برهانی می‌گویند که صحت ادعای طرف را اثبات کرده و در مقام مخاصمه  
توسط آن بر خصم احتجاج شود.

### ب) حجت، در اصطلاح اصولیین

حجت در علم اصول هر چیزی است که متعلق خود را اثبات کرده به درجه قطع  
نرسد: «کلّ شیء یثبت متعلّقه و لا یبلغ درجه القطع»؛ یعنی چیزی است که  
یقین‌آور نیست و اثبات متعلّق آن، در حقیقت، توسط جعل شارع صورت  
می‌گیرد (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۵۵، شیروانی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۶).

### مبحث دوم: خبر در لغت و اصطلاح

#### الف) خبر در لغت

خبر به معنای علم و آگاهی است و خبیر در اسمای الهی به معنای علیم است  
(ابن‌منظور، ص ۱۹۹۷).

#### ب) خبر در اصطلاح

خبر در اصطلاح اصولیین، به آن دسته از کلام غیر معصوم گفته می‌شود که از  
قول، فعل یا تقریر معصوم؟ ع؟ حکایت می‌کند (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۰۹،  
مشکینی ۱۳۹۶، ص ۱۵۹).

به بیان دیگر، نقل و حکایت‌کردن سنت معصوم؟ ع؟ را روایت، حدیث و یا  
خبر می‌گویند. اهل سنت اعتقاد دارند خبر یا حدیث، به سخنانی می‌گویند که  
به پیامبر؟ صل؟ نسبت داده می‌شود؛ در مقابل قرآن که کلام خداست. گاهی  
خبر یا حدیث، هم به سخنان معصوم؟ ع؟ (محکی) و هم به سخنان غیر معصوم  
که از سنت معصوم؟ ع؟ حکایت دارد (حاکمی) اطلاق می‌شود (خمینی، ۱۴۱۱، ج ۱،  
ص ۹۴، مشکینی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۱).

## مبحث سوم: ثقه در لغت و اصطلاح

### الف) ثقه در لغت

ثقه مفرد ثقات، و آن کسی که بر او اعتماد شود و مورد اطمینان باشد. اصل این کلمه در لغت از وثوق گرفته شده، چنانکه میثاق به معنای پیمان محکم است. (دائرة المعارف تشیع، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۷۴).

همچنین وثوق در لغت عرب به سه معنا به کار رفته است.

۱. ائتمان «وَوَثِّقْتُ بفلانِ ثِقَةً إِذَا أُتِّمَّتْهُ» (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۱۵۶۲، ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۳۷۱).

۲. احکام «الواو و الثاء و القاف کلمةٌ تدلُّ علی عَقْدٍ و احکام... و وَثِّقْتُ الشَّيْءَ بالتشديد أحکَمْتُهُ» (ابوالحسین، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۸۵).

۳. سکون و اعتماد «وَوَثِّقْتُ بِهِ أَثِقُ ثِقَةً: سَكَنْتُ إِلَيْهِ و اعتمدت علیه» (اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۵۳).

### ب) ثقه در اصطلاح

واژه «ثقه» صفت مشابه است که اصطلاحاً بر دوام و استمرار دلالت دارد و مقصود از آن به نظر جمعی از علمایی رجال شیعه کسی است که عادل و امامی و ضابط باشد. بنابراین قول، هرگاه کسی را ثقه خوانند و از فساد مذهبش سخنی نگویند، معنایش این است که چند جهت در او هست: اولاً، این که راستگو و در نقل خبر مورد اطمینان است، چنانکه اهل لغت این جهت را در لفظ ثقه منظور داشته‌اند. ثانیاً، این که او شیعه امامی است، چنانکه جمعی از صاحب نظران به این مطلب تصریح دارند؛ ثالثاً، این که او ضابط است؛ یعنی سهو و نسیانش اندک است. رابعاً، این که عادل است؛ یعنی از گناه پرهیز دارد و ملازم تقوی و فضیلت‌اند. بدین سبب گویند شرعاً به شخص عادل می‌توان اعتماد کرد، نه به غیرعادل. بعضی دیگر برآنند که بین وثاقت و عدالت عموم و خصوص من وجه است، چون وثاقت بدان معنی است که کسی را عادتاً بر امانت در نقل و پرهیز از دروغ باشد و چنین صفتی ممکن است در فاسق و حتی کافر هم یافت شود (عاملی حر، ۱۴۰۳، ص ۷ \_ ۱۳).

قول دیگر آن است که می‌بینیم راجع به عده‌ای از روایات، وثاقت را در کنار فساد مذهب تصریح می‌کنند (دائرة المعارف التشیع، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۲۱۴). ظاهراً معنای مشهور همین معنای دوم است.

## مبحث چهارم: موضوع در لغت و اصطلاح

### الف) موضوع در لغت

موضوع در لغت ۱. گذارده شده، نهاده شده، ۲. مطلبی که درباره آن بحث شود، مواضع، موضوعات ۳. چیزی که در علمی از آن و اعراض ذاتی آن بحث کنند؛ مثلاً موضوع علم طب، تن آدمی است و آنچه بدان تعلق دارد و موضوع علم صرف شناخت کلمه و خصوصیات آن است و موضوع علم نحو شناخت جمله و اجزای تشکیل دهنده آن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۱۸۰).

### ب) موضوع در اصطلاح

مرحوم نائینی می‌فرماید: در این‌که هر حکم تکلیفی موضوع و متعلقی دارد بحثی و نیست. البته ایشان می‌فرماید: مراد از موضوع آن است که وجودش در متعلق حکم مفروض است؛ مانند عاقل بالغ مستطیع در وجوب حج، و مراد از متعلق فعل یا ترک فعلی است که از عید خواسته شده؛ مانند حج و نماز و روزه و دیگر افعال (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۴۵).

### گفتار اول: آراء در حجیت خبر ثقه در موضوعات (باب قضا) و ادله آنها

باتوجه به این‌که در باب قضاء عدالت و تعدد در قبول شهادت شاهد براساس روایات شرط است؛ لذا خبر ثقه و همچنین خبر عدل واحد در باب قضا برای اثبات موضوعات حجیت ندارد و روایات داله بر اعتبار عدالت در شاهد مخصص عمومات و مقید اطلاقات ادله بر حجیت خبر ثقه مثل مفهوم آیه نبأ، و رادع سیره عقلا است.

### مبحث اول: آراء در حجیت خبر ثقه در موضوعات در باب قضا

یکی از موضوعات اختلافی میان علمای فقه و اصول از قدیم‌الایام تاکنون مسئله حجیت خبر ثقه در موضوعات خارجی بوده است و سبب اختلاف بینشان این بوده که از طرفی بر سیره عقلا اعتماد و تکیه نمودن و ترتیب اثر دادن به خبر ثقه می‌باشد و بعضی از روایات معتبر نیز این سیره را امضا نموده است، ولی از طرف دیگر شارع مقدس خبر عدلین را که از آن به (بینه) تعبیر می‌شود، به ظاهر در اثبات موضوعات خارجی، معتبر و لازم شمرده است.

لذا در مورد باب قضاء به اتفاق فقهای امامیه خبر و شهادت عدل واحد

حجت نیست تا چه رسد به حجیت خبر ثقه؛ لذا در این باب نظرات فقها در این خصوص ذکر می‌شود:

### ۱. شیخ مفید

شیخ مفید<sup>۱</sup> در *المقنعه* می‌فرماید: شهادت کمتر از چهار مرد عادل مسلم در زنا، لواط و سحق پذیرفته نیست.

همچنین در قتل و سرقت و غیر این دو از موارد که موجب قصاص و حدود است، شهادت عدلین مسلم پذیرفته است.

نیز می‌فرماید: شهادت زنان پذیرفته است در آنچه امکان نظرکردن مردان نیست؛ مثل عذره (بکارت) و عیوب زنان نفاس و حیض و ولادت و استهلال و رضاع.

ایشان می‌فرماید: شهادت یک مرد و دو زن در دیون و اموال فقط پذیرفته می‌شود.

همچنین می‌نویسد: شهادت زنان در نکاح و طلاق و رؤیت هلال پذیرفته نمی‌شود. و شهادت زن به تنهایی در ربیع وصیت پذیرفته می‌شود و در همه قبول نیست. شیخ مفید همچنین در شهادت صبیان می‌فرماید: در قتل و جراحات پذیرفته است اول کلام شأن اخذ می‌شود، نه کلام آخرش (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۲۷).

### ۲. شیخ طوسی

شیخ طوسی در «المبسوط» می‌فرماید: «دو نوع حقوق داریم ۱. حق الله ۲. حق الناس. اما حق الناس در باب شهادت بر سه قسم تقسیم می‌شود:

۱. در مثل نکاح، خلع، طلاق و طلاق رجعی و وکیل و وصیت و ودیعه و جنایت که موجب قصاص عتق و نسب و کتابت می‌شود و آنچه مال نباشد، اثبات نمی‌شود؛ مگر به شهادت دو شاهد مرد و بعضی هم گفته‌اند همه این‌ها با شهادت یک مرد و دو زن ثابت می‌شود و این اقوی است، مگر در قصاص.

۲. آنچه مال باشد؛ مانند مال قرض و غصب یا مقصود از آن مال باشد؛ مانند عقود معاوضات (بیع و صرف و سلم و صلح و اجاره و قراض و مساقات و رهن و وقف و وصیت و جنایت که موجب مال می‌شود عمدی باشد یا خطایی

مانند جائفه و قتل حر عبد را) ثابت می‌شود با دو شاهد و یک شاهد مرد و دو زن و یک شاهد و قسم.

۳. آنچه با شهادت دو شاهد مرد و یک شاهد مرد و دو زن و چهار زن ثابت می‌شود؛ مثل ولادت و رضاع و استهلال و عیوب که تحت ثیاب (ظاهراً عیوب باطنی مراد است) و اصحاب امامیه روایت نموده‌اند که شهادت زنان در رضاع اصلاً قبول نیست. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۱۷۲).

#### ۷. امام خمینی؟ ق؟

امام خمینی در مسئله وصیت چنین می‌نویسد: «وصیت به ولایت چه بر مال و چه بر اطفال باشد، فقط به دو گواه مرد عادل ثابت می‌شود و در وصیت گواهی زن‌ها، نه به صورت انفرادی و نه به همراه مردان اثبات نمی‌شود، اما وصیت به مال مانند سایر دعاوی مالی است و به گواهی دو مرد عادل یا یک گواه و قسم یا گواهی یک مرد عادل و دو زن عادل ثابت می‌شود» (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۴۴۷).

#### مبحث دوم: ادله داله بر عدم حجیت خبر ثقه (باب قضاء)

از این‌که در باب قضاء عدالت و تعدد در قبول شهادت شاهد براساس روایات شرط است و چون خبر ثقه در باب قضاء برای اثبات موضوعات حجیت ندارد؛ لذا با توجه به تعریف بیّنه که گفتیم مشهور فقها بیّنه را به معنای دو شاهد می‌دانند که می‌تواند ادعای مدعی را اثبات کند؛ لذا در اینجا لازم است ادله آن مورد بررسی قرار گیرد.

#### الف) آیات

قائلین به اصل پذیرش شهادت (اعم از زن و مرد) معتقدند که در آیات داله بر وجوب تحمل و ادای شهادت و حرمت کتمان فرقی بین زن و مرد قرار داده نشده و مخاطبین این آیات شریفه، اعم از زن و مرد می‌باشند و همگی مکلف به تکلیف هستند؛ لذا این آیات شریفه به دلالت التزامی، ظهور در پذیرش شهادت نیز دارند (صانعی، ۱۳۸۵، ص ۱۲).

{ وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِيدِينَ مِنْ رِجَالِكُمْ فَاِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ رِجَالِكُمْ فَرَجُلٍ وَ امْرَأَتَانِ } (بقره، آیه ۲۸۲).

قرآن کریم در این آیه در مورد معاملات قرض و نسبه می‌فرماید: دو تن از

مردان گواه آرید، و اگر دو مرد نیابید، یک تن مرد و دو زن هر که را طرفین راضی شوند، گواه گیرید.

دلیل آیه شریفه { وَ اسْتَشْهَدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتَانِ } (بقره، آیه ۲۸۲). با توجه به کثرت منازعات و مخاصمات، مردم نیازمندند در مراجع قضایی شهادت مورد پذیرش باشد، زیرا اقامه حجت موجب علم در تمامی خصومات و منازعات امری مشکل است و تکلیف همواره در حد وسع مقرر می‌گردد، نه مازاد بر آن. دیگر این‌که قبول شهادت بر قضات امری الزامی است.

#### ب) سنت

روایات متعدد در این مسئله وارد شده است؛ از جمله روایت محمد بن سنان که به امام رضا؟ع نامه نوشته، در آن از علل برخی از احکام سؤالاتی نموده است. آن حضرت در ضمن پاسخ در مقام تعلیل فرموده است: علت این‌که در تمام حقوق اقامه بینه به عهده مدعی و ادای سوگند مدعی علیه است به جزء دعوی خون این است که مدعی علیه منکر است و نمی‌تواند بر امر مورد انکار خود بینه اقامه نماید، زیرا مورد انکار امری مجهول است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۲۳۵).

همچنین روایات متعددی مبنی بر جواز پذیرش گواهی زن و مرد وجود دارد از قبیل این‌که در این حدیث که حضرت رسول؟صل؟می‌فرمایند: «من در میان شما بر طبق بیانات و قسم‌ها قضاوت می‌کنم و بدیهی است که مخاطب حضرت رسول؟صل؟جمع انسان‌ها اعم از مردان و زنان می‌باشند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۱۴).

از جمله احادیث وارده در این مسئله، می‌توان به صحیح حلی اشاره نمود که از امام صادق؟ع نقل می‌کنند: «از امام؟ع سؤال کردم که آیا شهادت زنان همراه مردان در دین جایز است؟ فرمود بله (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۲۵۱). فقهای چون محقق خوئی (خوئی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۲۴) و امام خمینی در *تحریر الوسيله* (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۵۵۷)، عدم خلاف در مسئله را مطرح کرده‌اند و حتی در قسمت اخیر حکم که اثبات دیه در جنایت است نقل ادعای اجماع را بیان نموده‌اند. فقهای دیگر نیز چون شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۵۷)، صاحب *جوهر* (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۱۶۶\_ ۱۶۹) و



خوانساری در جامع المدارک (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۱۳۴) نیز بر همین قول فتوا داده‌اند.

### ج) روایات خاصه این باب

۱. ابی بصیر نقل می‌کند: سؤال کردم از شهادت زنان، فرمود شهادت زنان به تنهایی بر آنچه مردان نمی‌توانند به آن نگاه کنند جایز است، و نسبت به نکاح شهادت زنان جایز است البته با یک مرد، در طلاق و خون (قتل) جایز نیست. در زنا جایز است شهادتشان زمانی که سه مرد و دو زن باشد و جایز نیست با دو مرد و چهار زن (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۳).

۲. غیاث بن ابراهیم از امام صادق ع؟ و او از پدرش و ایشان از امیرالمؤمنین ع؟ نقل می‌کنند که می‌فرماید: شهادت زنان در حدود و قصاص جایز نمی‌باشد. (همان، ج ۳، ص ۲۴)

۳. حماد بن عثمان از امام صادق ع؟ نقل کردند: شهادت زنان در رؤیت هلال و طلاق پذیرفته نیست؛ مگر شهادت دو مرد عادل (همان، ج ۳، ص ۳۰).

### گفتار دوم: آرا در حجیت خبر ثقه در موضوعات (غیر باب قضاء) و ادله آن‌ها

علاوه بر این که مسئله حجیت خبر واحد در موضوعات، از مسائل مشکلی است، کمتر فقیهی یافت می‌شود که فتاوایش در مورد آن از اول فقه تا آخرش اختلافی نداشته باشد.

### مبحث اول: آرا در حجیت خبر ثقه در موضوعات در غیر باب قضاء

#### الف) آرای منکرین: حجیت خبر ثقه در موضوعات (غیر باب قضا)

اکثر متقدمین و متأخرین به عدم حجیت خبر واحد ثقه در موضوعات اعتقاد داشته‌اند و چون این اعتقاد هم قدمت بیشتری دارد و هم قائلان بیشتر، از این رو مقدم قرار داده شده است. از این رو بعضی از این فقها در برخی مسائل اعتبار خبر واحد را به عنوان یک احتمال مطرح نموده‌اند و در پاره‌ای موارد هم \_ چنان که ملاحظه خواهد شد \_ آراییی دارند که نشان‌گر تردد یا توقف ایشان در مسئله است.

### ۱. شیخ طوسی

شیخ طوسی در *المبسوط* می‌نویسد: هرگاه شخصی خبر دهد که یکی از دو ظرف نجس است پذیرفتن سخنش واجب نیست زیرا دلیلی بر آن وجود ندارد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۸).

همچنین در تحصیل سمت قبله برای شخص نابینا و نیز کسی که به قبله‌یابی آشنا نیست، در *الخلافا* فرموده: بر این دو کس واجب است که به چهار سمت نماز بگزارند و اگر شخص دیگری به سمت قبله خبر دهد، قبول سخن او واجب نیست، زیرا هیچ دلیلی بر پذیرفتن از دیگری نداریم. ظاهر اطلاق این کلام، یکسان بودن خبر ثقه با خبر غیرثقه در عدم حجیت است. همچنان‌که ملاحظه می‌شود علت نپذیرفتن حجیت خبر واحد در موضوعات در نظر شیخ طوسی عدم دلیل بر آن است و واضح است که با نبود دلیل، اصل بر عدم حجیت می‌باشد (همان، ج ۱، ص ۳۰۲).

### ۲. ابن‌ادریس حلی

ابن‌ادریس نیز در *السرائر* می‌نویسد: اگر شخص عادل به نجاست آب خبر دهد، پذیرفتن سخن او جائز نیست و در صورتی که آبی غیر آن نباشد، تیمم هم روا نیست؛ ولی اگر دو تن عادل باشند، به نجاست آب حکم می‌شود، زیرا وجوب پذیرش شهادت دو شاهد و حکم به آن، در شرع معلوم است (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۸۶).

قابل ذکر است که اوحدی از فقها \_ چنان‌که معروف است \_ حجیت خبر واحد را حتی در خصوص احکام نیز نپذیرفته‌اند؛ همچون شریف مرتضی، قاضی ابن‌براج، سیدابوالکارم ابن‌زهره، امین‌الاسلام طبرسی و ابن‌ادریس حلی (هاشمی مجد، ۱۳۹۲، ص ۳۲).

### ۳. شیخ انصاری

شیخ انصاری در مبحث فقهی صلاة مسافر می‌نویسد: «با این‌که عموم قول امام؟ ع؛ در صحیحه نسبت به تصدیق قول شخص مسلم است و اضافه بر آنچه درباره تصدیق قول مؤمن وارد شده است احتمال داده شده است به اکتفا به خبر عدل واحد و بعد درباره این احتمال مبنای شهید اول اشاره می‌کند که در ذکری اخبار به مسافت را از قبیل روایت فرض کرده و خبر واحد را مکفی دانسته است» (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۸).

در رساله فارسی *صراط النجاة* نیز ثبوت پاکشدن چیز متنجس را در علم و بیّنه و سخن ذوالید منحصر کرده است (همان، ص ۵۰). که نشان‌گر عدم حجیت خبر واحد در موضوعات است.

(ب) آرای قائلین: حجیت خبر ثقه در موضوعات (غیر باب قضا)

#### ۱. محدث بحرانی

محدث بحرانی در *الحدائق الناضرة* در مبحث ثبوت نجاست بعد از نقل استدلال علّامه بر قبول خبر واحد در موضوعات فرموده: حق مطلب نزد من این است که قبول سخن عادل واحد در این مقام، خالی از قوّت نیست، بلکه به سبب دلالت تعدادی از روایات معصومین؟ هم؟ سپس روایات دال بر حجیت خبر واحد ثقه در موضوعات را برشمرده است مثل وصیت، اذان مؤذن (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۵۱).

در مبحث روزه، در جایی که شخص عادلی خبر دهد که هنوز صیح نشده، می‌نویسد: صحیح‌تر آن است که نه تنها بر اخبار دو عادل، بلکه یک عادل نیز می‌توان اعتماد نمود، زیرا مستفاد از روایات، جواز اعتماد بر خبر عادل ثقه در اموری است که علم در آن مطلوب می‌باشد. امثال وصیت، عزل وکیل و اذان مؤذن (همان، ج ۱۳، ص ۹۶).

#### ۲. کاشف‌الغطاء

از تتبع و بررسی در کتاب ارزشمند *کاشف‌الغطاء* این‌طور استفاده می‌شود که ایشان به حجیت خبر عدل واحد در موضوعات قائل است و این قول را قوی می‌داند و نکته مهم‌تر این است که ایشان در موارد متعددی به عدم فرق بین خبر مرد و زن تصریح و تنصیح کرده است؛ مثلاً در مقدمه کتاب که به بیان برخی اصول وقواعد فقهی پرداخته است، قاعده کلی را چنین بیان فرموده: «دلیل که دلالت کند به اکتفا به خبر عدل واحد چه رسد از دو عدل و چند عدل به ثبوت موضوعات و احکام شرعی. البته این در صورتی است که از روی علم و یقین خبر دهد و اگر از روی وهم و یا شک و یا ظن و گمان خبر بدهد حجت نمی‌باشد» (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۲۶).

همین‌طور در مسئله طهارت می‌فرماید: «در مسئله گُربودن آب نه‌تنها خبر دو عدل، بلکه خبر عدل واحد چه مرد و چه زن باشد نیز کافی است» (همان، ج ۲، ص ۴۰۵).

در ثبوت تنجّس اشیاء: خبر دو عادل، در اثبات تنجّس اشیاء پذیرفته می‌شود و در پذیرش سخن عادل واحد \_ هرچند زن باشد \_ قوّت است (همان، ج ۲، ص ۴۰۶).

در ثبوت تطهیر، فرموده: تطهیر با شهادت دو عادل یا یک عادل هرچند که زن باشد، ثابت می‌شود (همان، ج ۲، ص ۳۷۲).

در ثبوت خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی می‌نویسد: در ثبوت کسوفین، علم یا شیعاع یا شهادت دو عادل لازم است و به خبر یک عادل نیز بنا بر احتیاط، عمل شود (همان، ج ۳، ص ۲۷۵).

### ۳. شهید صدر

شهید صدر در مسئله اثبات نجاست در «شرح بر عروه» بعد از بررسی و تحلیل حجیت خبر ثقه در موضوعات اشاره به سیره عقلا بر حجیت آن نموده و آن را مهم‌ترین دلیل بر حجیت خبر واحد در شبهه موضوعیه دانسته و این‌گونه نتیجه می‌گیرد که خبر ثقه در همه موضوعات حجت است؛ مگر آن موردی که دلیل خاصی بر خلاف آن قائم شده باشد (شهید صدر، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۰۲).

ایشان همچنین در مسئله گُربودن آب می‌فرماید: «با توجه به تمسک به اطلاق دلیل حجیت خبر واحد اظهر این است که خبر عدل واحد در اثبات کر حجت است» البته با توجه به گفته‌های قبل ایشان مراد از دلیل در اینجا سیره عقلا می‌باشد (همان، ج ۲، ص ۱۲۹).

### ج) آرای توقف: حجیت خبر واحد در موضوعات (غیر باب قضا)

با توجه به این‌که عده زیادی از علما در مسئله حجیت خبر واحد در موضوعات توقف یا شک و تردید نموده و لذا در مقام عمل حکم به احتیاط کرده‌اند.

### ۱. صاحب جواهر

مرحوم صاحب جواهر هر گزچه متمایل به حجیت خبر ثقه در موضوعات می‌باشد؛ ولی همان‌گونه که ملاحظه خواهد شد، به دلایل متعددی حکم قطعی در مورد آن نداده و تردید نموده است و در بعضی از موارد هم به عدم حجیتش تمایل و گرایش دارد.

ایشان در مسئله اثبات تنجّس اشیاء پس از این‌که به بعضی از روایات دالّ بر حجیت خبر واحد در موضوعات اشاره نموده است و از خبر عدل واحد به

منزله علم هم استفاده نموده، این‌گونه می‌فرماید: «نه‌تنها این بلکه ثبوت احکام شرعی هم به‌واسطه خبر عدل بزرگ‌ترین گواه و شاهد بر حجیت آن در موضوعات است و از این روایات با تأمل می‌توان استفاده نمود که خبر عدل به منزله علم و یقین است و به‌عنوان یک قاعده و ضابطه کلی در هر موضوعی که ثابت نشود که از باب شهادت و مشروط به تعدد شاهد است می‌توان به خبر عادل اکتفا کرد، ولی انصاف این است که به علت امکان تأمل و نظر در مطالب گفته‌شده به جهت ممنوع بودن بعضی و ثابت‌نشدن مطلوب با بعضی دیگر مسئله در حیز اشکال باقی می‌ماند» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۷۱).

و این‌که فرموده: «مسئله در حیز اشکال باقی است، نشان از توقف ایشان در این مسئله می‌باشد و به همین خاطر در رساله فارسی خود (مجمع الرسائل) ثبوت نجاست با خبر یک عدل را مبتنی بر احتیاط دانسته است» (همان، ص ۷۹).

ایشان همچنین درباره نماز مسافر فرموده: «شهید اول در الذکری و شهید ثانی در *روض الجنان* این احتمال را داده است که خبر یک عدل کافی است و بعضی از فقهای معاصرش نیز به همین قول متمایل‌اند (مقصود کاشف‌الغطاء است) به‌خاطر اطلاق ادله حجیت خبر واحد و قبول‌شدن آن در اموری بزرگ‌تر از موضوعات یعنی احکام و هم چنین به‌خاطر این موضوع مورد بحث از باب حدود و دعاوی نمی‌باشد؛ اگرچه این قول خالی از قوت و اشکال نیست، ولی معتبرشمردن بینه توسط علمای مان به‌ظاهر، حجیت خبر واحد را نفی می‌کند. (همان، ج ۱۴، ص ۲۰۵).

## ۲. محقق یزدی

محقق یزدی در *عروه الوثقی* با توجه به این‌که مشتمل بر فروع کثیری می‌باشد و همیشه مورد توجه و اقبال همه فقها بوده است؛ لذا محقق یزدی در موارد متعددی از ابواب این کتاب تصریح کرده به ثبوت موضوعات با سخن عدل واحد محل اشکال است. این کار عملی نشان از توقف علمی ایشان در مسئله می‌باشد (کرمی، قبولی در افشان، محمد، ناصری مقدم، ۱۳۹۵، ش ۳، ص ۱۲).

ایشان در مسئله اثبات نجاست می‌فرماید: «نجاست آب و غیر آن همراه علم و بینه ثابت می‌گردد و در مورد سخن عدل واحد اشکال است؛ لذا احتیاط

در آن ترک نشود» (سید یزدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۴).

همچنین در مسئله گُر می‌فرماید: «گُر بودن همراه با علم و بینه ثابت می‌شود و در رابطه با سخن عدل واحد اشکال است» (همان، ج ۱، ص ۴۶).

همین‌گونه درباره اثبات تطهیر می‌فرماید: «یکی از راه‌های ثبوت تطهیر البته نزد بعضی از علما سخن عدل واحد است و لکن این مشکل می‌باشد» (همان، ج ۱، ص ۴۶).

همین‌طور در مسئله تیمم فرموده است: «اکتفا به خبر یک عادل در اخبار به عدم وجود آب، اشکال دارد؛ بنابر این احتیاط به جست‌وجوی آب ترک نشود» (همان، ج ۲، ص ۱۶۳).

ایشان در مسئله وقت نماز اگرچه به‌خاطر روایات خاص به این‌که جایز است اعتماد کردن بر اذان عادل وقت‌شناس فتوا داده است، ولی سخن شخص عادل واحد را محل اشکال دانسته است (همان، ج ۲، ص ۲۷۶).

### ۳. امام خمینی؟ ق؟

امام خمینی؟ ره؟ بعد از بیانات درباره ادله حجیت خبر ثقه در موضوعات نتیجه را این‌گونه می‌فرماید: «این مسئله محل اشکال هست، چون که از یک طرف در معنای روایت مسعده بن صدقه اشکال وجود دارد و از طرف دیگر موردی پیدا نمی‌شود که علمایی امامیه در آن به خبر ثقه در موضوعات همان‌گونه که به احکام عمل نمودند عمل کرده باشند؛ از این جهت ثابت‌نشدن موضوعات با خبر ثقه اگر اقوی نباشد، احوط است» (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۷۳).

همچنین در مسئله مسوغات تیمم در *تحریر الوسیله* فرموده است: «ظاهر آن است که واجب نیست خود انسان در جست‌وجوی آب برود. بلکه نایب‌گرفتن یک نفر یا چند نفر که از قول آن‌ها اطمینان حاصل می‌شود، کفایت می‌کند؛ کما این‌که نایب‌شدن یک نفر از چند نفر در صورتی‌که از قول او اطمینان حاصل شود کافی است. اما کفایت‌کردن هر امینی و موثقی (در صورتی‌که از قول آن‌ها اطمینان حاصل نشود) محل اشکال است» (همان، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۰۲).

### مبحث دوم: ادله حجیت خبر ثقه در موضوعات (غیر باب قضا)

با توجه به این‌که آیات کریمه‌ای که در بحث اصولی حجیت خبر واحد مورد

تمسک واقع شده \_ مانند آیه نبأ و نفر و غیر آن \_ دارای اطلاق می‌باشند و علاوه بر احکام، موضوعات را نیز دربرمی‌گیرند، از این رو در بحث حجیت شهادت واحد هم به این آیات استدلال شده است و از این جهت، ادله قرآنی، از ادله اشتراکی بین این دو بحث‌اند، در مقابل ادله اختصاصی که روایات ویژه موضوعات می‌باشد.

### الف) مفهوم آیه نبأ

خدای متعال می‌فرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ } (حجرات، آیه ۶) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برای شما خبری مهم آورد، درباره آن تحقیق کنید، تا مبادا از روی نادانی به قومی آسیب برسانید، آن‌گاه از آنچه بر سرشان آورده‌اید پشیمان شوید».

همچنان‌که از تتبع سخنان فقها برمی‌آید و گاهی نیز به آن تصریح شده، قوی‌ترین آیه‌ای که در مقام استدلال بر حجیت خبر واحد در موضوعات می‌توان به آن تمسک کرد، مفهوم آیه نبأ است (شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۸۳).

### ب) روایات

#### ۱. موثقه سماعه

از روایات دال بر حجیت خبر واحد در موضوعات، حدیثی است که در ابواب نکاح، از سماعه روایت شده که گفته: از او (امام) درباره مردی که با کنیزی ازدواج یا استمتاع کرده سپس شخصی ثقه یا غیرثقه به او خبر داده که این زن من است، ولی بی‌نهای ندارم، سؤال کردم. در پاسخ فرمود: اگر خبردهنده ثقه باشد، به آن زن نزدیک نشود و اگر غیرثقه باشد سخنش پذیرفته نیست (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۶۱).

#### ۲. روایت فقه الرضا

فرمود: اگر فروشنده (یعنی فروشنده کنیز) ثقه باشد و خبر دهد که او را استبرا نموده نکاح با او از همان وقت خریدش جائز است و اگر ثقه نباشد، مشتری باید با انتظار حیضش او را استبرا نماید (فقه الرضا، ۱۴۰۶، ص ۲۳۳).

#### د) عقل

اگر بنا باشد که به خبر ثقه اعتماد نشود، اختلال نظام پیش می‌آید؛ یعنی نظم زندگی اجتماعی به هم می‌ریزد. مگر هر شخص چقدر می‌تواند تحقیق کند تا یک خبر ساده را به تواتر یا قطع برساند (مصطفوی، ۱۳۹۲، ص ۶۶).

#### ه) بنای عقلا

در استدلال به بنای عقلا دو مطلب باید اثبات شود: اول این‌که عقلا چنین مبنایی دارند و دوم آن‌که بنای عقلا حجت است؛ اولی یک بحث مغروری است و در اینجا بررسی می‌شود و دومی کبروی می‌باشد که در علم اصول بحث شده است و فقط به چکیده آن اشاره و برای تفصیل مطالبش به منابع اصول ارجاع می‌شود.

شیوه خردمندان یکی از راه‌های کشف قول شارع مقدس است. استناد به بنای عقلا در آثار میرزای قمی و فقهای پس از وی رواج قابل توجه یافته و در آثار محقق انصاری<sup>۱</sup>،<sup>۲</sup> بسیار چشمگیر است. از کلام شیخ انصاری در *فرائد*، چنین ظاهر می‌شود که استکشاف نظر شارع از بنای عقلا، بازگشت به تقریر معصوم دارد و از این راه به رضایت معصوم پی برده می‌شود (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۴۵).

به همان ترتیبی که در بحث اصولی حجیت خبر واحد در احکام مورد استناد قرار گرفته، در خصوص موضوعات نیز می‌توان به آن استدلال کرد. در مبحث اصولی مذکور، محققان اصول مهم‌ترین و قوی‌ترین دلیل و عمده ادله‌اش را بنای عقلا معرفی کرده‌اند؛ بلکه ادله دیگر آن را نیز به بنای عقلا ارجاع داده‌اند (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۹۴).

اشکال: روایت مسعدة بن صدقه که دلالت بر عدم حجیت غیر بینه در موضوعات دارد رادع از سیره عقلاء می‌شود و واضح است که سیره مردوعه عقلا اعتبار ندارد و سیره غیرمردوعه عقلائییه حجت است و اعتبار دارد.

جواب: البته جواب از روایت مسعدة بن صدقه این است که برای ردع از سیره عقلائییه باید از طرف شارع روایات زیادی به ما برسد و با یک روایت و یا دو روایت نمی‌شود از سیره عقلایی رفع ید کرد؛ لذا از طرف شارع مقدس نسبت به ردع سیره عقلا در مورد قیاس اخبار متعدد وارد شده و به ما



رسیده است. (مزاری، ص ۷).

#### و) سیره علمای امامیه

از رویه و بنای فقها برمی‌آید که در موضوعات، همانند احکام، بر اخبار آحاد استناد می‌کرده‌اند. محقق مامقانی در *تنقیح المقال* فرموده است: در این باب از علمای امامیه، آرای افراطی و تفریطی صادر شده است؛ از دسته اول، آن رأیی است که عده‌ای از ایشان مانند شهید ثانی به آن قائل شده و حجیت روایت را در حدیث صحیح اعلیٰ منحصر کرده که عدالت رجالش با دو تن عادل احراز شود. وجه افراطی بودن این مسلک آن است که طریق اطاعت، به عقل و عقلاً موکول شده و می‌بینیم که آنان در امور معاد و معاش شان بر هر خبری که بدان اطمینان یابند \_ از هر راه که وثوق و اطمینان برای‌شان حاصل شود \_ اعتماد می‌کنند. (مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۱۱۴).

#### ی) قیاس اولویت

گاهی بر حجیت خبر واحد در موضوعات، استدلال می‌شود، به این‌که وقتی در مورد احکام حجّت است، در موضوعات به طریق اولیٰ حجّت خواهد بود. به این بیان که: احکام با وجود اهمیت بیشتر و همچنین کلی‌بودنش، با خبر واحد ثابت می‌شود. با این وصف، چگونه نتوان موضوعات جزئی را به واسطه آن ثابت کرد؟ از این رهگذر، در *جواهر الکلام* در ادامه سخنی در خصوص حجیت خبر واحد در موضوعات، چنین می‌نویسد: «ثبوت احکام شرعی با خبر واحد، بزرگ‌ترین شاهد بر حجیت آن در موضوعات است» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۷۲).

#### نتیجه

از همه مباحث مطرح‌شده این‌گونه نتیجه گرفته می‌شود که حجیت خبر ثقه در موضوعات در غیر باب قضاء، فقها بر سه دسته‌اند: گروهی منکرند و گروهی قائل به آن و گروهی دیگر متوقف هستند. ولی نسبت به حجیت خبر ثقه در باب قضاء به اتفاق همه علما خبر ثقه مکفی نیست؛ لذا نیاز به عدلین و بینه می‌باشد.

## منابع

۱. ابن منظور، *لسان العرب*، بيروت، انتشارات دار صادر، ج اول، ۱۹۹۷م.
۲. ابوالحسين، احمد بن فارس بن زكريا، *معجم مقائيس اللغة*، قم \_ ايران، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، اول، ۱۴۰۴ق.
۳. اصفهاني، حسين بن محمد راغب، *مفردات ألفاظ القرآن*، لبنان \_ سوريه، دار العلم \_ الدار الشاميه، اول، ۱۴۱۲ق.
۴. انصاري، مرتضى بن محمدامين، *فرائد الأصول*، \_ قم، چاپ نهم، ۱۴۲۸ق.
۵. بحراني، آل عصفور، يوسف بن احمد بن ابراهيم، *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*، قم \_ ايران، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علميه قم، اول، ۱۴۰۵ق.
۶. شيخ مفيد، بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان عكبري، *المقنعة*، قم \_ ايران، كنگره جهانی هزاره شيخ مفيد؟رح؟، اول، ۱۴۱۳ق.
۷. جوهری، اسماعيل بن حماد، *صاح اللغة*، مصحح: عطار، احمد عبد الغفور، نوبت چاپ اول، ناشر دارالعلم، محل نشر بيروت، تاريخ ۱۳۷۶ق.
۸. \_\_\_\_\_، *الصاح \_ تاج اللغة و صحاح العربية*، بيروت \_ لبنان، دارالعلم للملایين، اول، ۱۴۱۰ق.
۹. حلی، محقق، نجم الدين، جعفر بن حسن، *شرائع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام*، ج ۲، ص ۲۳۵، قم \_ ايران، انتشارات استقلال، چاپ ششم، ۱۳۸۳ش.
۱۰. حلی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، *السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى*، قم \_ ايران، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علميه قم، دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۱. حلی، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، *تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط \_ الحديثة)*، قم \_ ايران، مؤسسه امام صادق؟ع؟، اول، ۱۴۲۰ق.
۱۲. \_\_\_\_\_، *تبصرة المتعلمين في أحكام الدين*، تهران \_ ايران، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، اول، ۱۴۱۱ق.
۱۳. \_\_\_\_\_، *مختلف الشيعة في أحكام الشريعة*، قم \_ ايران، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علميه قم، دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۴. حلی، فخرالمحققين، محمد بن حسن بن يوسف، *إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد*، قم \_ ايران، مؤسسه اسماعيليان، اول، ۱۳۸۷ق.
۱۵. حلی، محقق، نجم الدين جعفر بن حسن، *شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام*، قم \_ ايران، مؤسسه اسماعيليان، دوم، ۱۴۰۸ق.
۱۶. خميني، سيد روح الله موسوي، *تحرير الوسيلة*، مترجم: علی اسلامي، قم \_ ايران،

- دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۲۱، ۱۴۲۵ق.
۱۷. \_\_\_\_\_، *تحریر الوسيلة*، قم \_ ایران، مؤسسه مطبوعات دار العلم، اول، ق.
۱۸. \_\_\_\_\_، *کتاب الطهارة* (للإمام الخميني، ط \_ الحديثة)، تهران \_ ایران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؟ق؟، اول، ۱۴۲۱ق.
۱۹. خوانساری، سید احمد بن یوسف، *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، قم \_ ایران، مؤسسه اسماعیلیان، دوم، ۱۴۰۵ق.
۲۰. خوئی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*، [بنا] \_ [بی‌جا]، چاپ ۵، ۱۴۱۳ق.
۲۱. \_\_\_\_\_، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*، تحت اشراف جناب آقای لطفی، قم \_ ایران، اول، ۱۴۱۸ق.
۲۲. \_\_\_\_\_، *مبانی تکملة المنهاج*، قم \_ ایران، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی؟رح؟، اول، ۱۴۲۲ق.
۲۳. *دایرة المعارف تشیع*، نشر شهید سعید محبی، چاپ سوم، ۱۳۸۳ش.
۲۴. ذرفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، *صراط النجاة* (محشّی، شیخ انصاری)، قم \_ ایران، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، اول، ۱۴۱۵ق.
۲۵. \_\_\_\_\_، *کتاب الصلاة* (للشیخ الأنصاری)، قم \_ ایران، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، اول، ۱۴۱۵ق.
۲۶. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، چاپ اول، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۲۸. شیرازی، ناصر مکارم، *القواعد الفقہیة* (لمکارم)، قم \_ ایران، مدرسسه امام امیرالمؤمنین؟ع؟، سوم، ۱۴۱۱ق.
۲۹. صانعی، فخرالدین، *بررسی فقهی شهادت زن در اسلام*، قم، میثم تمار، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۳۰. صدر (شهید)، سیدمحمدباقر، *بحوث فی شرح العروة الوثقی*، قم \_ ایران، مجمع الشہید آية الله الصدر العلمی، دوم، ۱۴۰۸ق.
۳۱. صدیقی، سیدمحمدصادق، *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۴۱.
۳۲. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تهران \_

- ایران، دارالکتب الإسلامية، اول، ۱۳۹۰ق.
۳۳. \_\_\_\_\_، *الخلافة*، قم \_ ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۳۴. \_\_\_\_\_، *المبسوط في فقه الإمامية*، تهران \_ ایران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
۳۵. \_\_\_\_\_، *تهذيب الأحكام*، تهران \_ ایران، دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *الفوائد الطوسية*، قم \_ ایران، چاپخانه علمیه، اول، ۱۴۰۳ق.
۳۷. \_\_\_\_\_، *وسائل الشيعة*، قم \_ ایران، مؤسسه آل البيت؟ عمم؟، اول، ۱۴۰۹ق.
۳۸. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية* (المحشّی \_ سلطان العلماء)، قم \_ ایران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۲ق.
۳۹. \_\_\_\_\_، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، قم \_ ایران، مؤسسه المعارف الإسلامية، اول، ۱۴۱۳ق.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
۴۱. کرمی، محمد، قبولی درافشان، محمدتقی، ناصری مقدم، حسین، «تحلیلی بر حجیت خبر ثقه در موضوعات با تأکید بر دیدگاه سیداحمد خوانساری»، *پژوهش های فقهی*، شماره ۳، دوره ۱۲، پاییز ۱۳۹۵.
۴۲. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران \_ ایران، دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۳. مامقانی، عبداللّه، *تنقيح المقال في علم الرجال* (ط الحديثه)، ایران \_ قم، مؤسسه آل البيت؟ عمم؟ لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۳۱ق.
۴۴. مصطفوی، سیدکاظم، *کلیات و مبانی علم رجال*، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۹۲ش.
۴۵. منسوب به امام رضا، علی بن موسی؟ عمما؟، *الفقه \_ فقه الرضا*، مشهد، مؤسسه آل البيت؟ عمم؟، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۴۶. مزاری، محمد مهدی، *کابرد قواعد اصولی*، البته کتاب هنوز چاپ نشده، در حال اقدام برای چاپ است، [بی تا، بی جا].
۴۷. نائینی، محمدحسین، *فوائد الأصول*، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.

۴۸. \_\_\_\_\_، *كتاب الصلاة* (للتائيني)، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۱ق.
۴۹. نجفی، (صاحب الجواهر)، محمدحسن، *جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام*، بیروت \_ لبنان، دار إحياء التراث العربي، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۵۰. \_\_\_\_\_، *مجمع الرسائل* (محتشی صاحب جواهر)، مشهد \_ ایران، مؤسسه صاحب الزمان؟ عج؟، اول، ۱۴۱۵ق.
۵۱. نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، *كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء* (ط \_ الحديثة)، قم \_ ایران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۲۲ق.
۵۲. ولایی، عیسی، *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگنامه اصول فقه، چاپ اول، ۱۳۱۱ش.
۵۳. هاشمی مجد، سیدهادی، *حجیت خبر واحد در موضوعات*، دانشگاه شهید مدنی، آذربایجان، تبریز، ۱۳۹۲ش.
۵۴. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، *مصباح الفقیه*، قم \_ ایران، مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسة النشر الإسلامی، اول، ۱۴۱۶ق.
۵۵. یزدی، سیدمحمدکاظم طباطبائی، *العروة الوثقی* (للسید الیزدی)، بیروت \_ لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۴۰۹ق.